

# فلسطین؛ از پاریز تا پاریس

آزادی خواهان از روستاهای ایران تا قلب اروپا علیه جنایات صهیونیست‌ها فریاد کشیدند  
قدرت نرم آرمان قدس بزرگ‌ترین طوفان است



کنشگران سیاست و نوار باریک انسانیت  
در آینه فلسطین  
به خودتان نگاه کنید

صهیونیست‌ها با دروغ‌های بزرگ و بایکوت  
جنایات‌شان به جنگ با افکار عمومی آمده‌اند

رژیم فتوشاپی

گزارش میدانی «فرهیختگان» از حال و هوای سازمان سنجش

## جریان‌شناسی اعتراض‌ها به نتایج کنکور سراسری

از سی‌وسه پل ۲/۵ ساعت زودتر از قبل به حافظیه می‌رسید

## ایران هجدهمین آزادراه‌ساز بزرگ دنیا

گزارش تحلیلی «فرهیختگان» از وضعیت بخرنج دندانپزشکی کشور

## دندان درد دارید؟ پوست شما را می‌کند



۱۴

۱۶

۱۷، ۱۸



## در حاشیه اظهارات جدید وزیر سابق خارجه تاریخ را با تراژدی‌هایش بخوانید

سازمان‌های بین‌المللی گفت: «نمی‌توانستیم باور کنیم که یک مقام رسمی اسرائیل آنگونه صحبت کند و رسماً انجام جنایت جنایت را تأیید کند و از تنبیه جمعی شامل گرسنگی دادن و قطع برق و آب حرف بزند.»

این سخنان عجیب درحالی‌که سوی ظریف مطرح شده که وی یکی از اعضای هیات علمی دانشکده مطالعات جهان است و اخیراً نیز به‌عنوان استاد مدعو، برای تدریس در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران دعوت شده است. اینکه یک استاد دانشگاه در حوزه روابط بین‌الملل که بیشتر از ۴۰ سال از عمر خود را در عرصه فعالیت‌های دیپلماتیک گذرانده و حتی خدمت سربازی خود را هم در سازمان ملل متحد و به‌عنوان دیپلمات ایران انجام داده، کوچک‌ترین اطلاعی از مساله فلسطین ندارد و جنایت اخیر صهیونیست‌ها را برای خود، یک مساله غیرقابل باور می‌داند، ترازیک است. چطور می‌توان باور کرد که جناب دکتر ظریف در تمام این سال‌ها، حتی یک کتاب هم درباره تاریخچه فلسطین مطالعه نکرده است؟ حتی یک مقاله هم در این زمینه نخوانده است؟ حتی یک مستند هم درباره فعالیت اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی ندیده است؟ این چه استاد دانشگاه و چه فعالیت دانشگاهی و پژوهشی‌ای است که نهایتاً منجر به ابراز شگفتی از انجام جنایت جنگی علیه فلسطین از سوی اسرائیل شده است؟

نشاندهنده و بارها انجام جنایات جنگی را عنوان «دفاع مشروع» مورد تأیید قرار داده‌اند. این مساله تا جایی به صورت شفاف و بدون تعارف از سوی مسئولان رژیم صهیونیستی مطرح می‌شود که حتی واکنش منفی دولت‌های اروپایی را نیز به دلیل تأکید بر رعایت برخی استانداردهای حقوق بشری به دنبال داشته است. در یکی از این موارد، جنایت اسرائیل در کشتار «قانا» که در میانه جنگ ۲۳ روزه با حزب‌الله لبنان صورت گرفت، تا اندازه‌ای آشکار بود که با اعتراض عمومی رسانه‌های جهانی هم مواجه شد؛ خوزیرینی بی‌پایه‌ای علیه کودکان لبنانی که کاندولیزاریس، وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده آن را در رژیم‌های خارومیانه جدید، نامید و از این اقدام اسرائیل حمایت کرد.

در چنین مواردی با وجود چنین تاریخ شفافی از اقدامات بی‌پرده و بی‌پروای اسرائیل در جنایات علیه بشریت، وزیر امور خارجه سابق کشورمان در اظهار نظر عجیب، سخنان اخیر وزیر دفاع اسرائیل مبنی بر انجام عملیات گسترده برای کشتار فلسطینی‌ها و تنگ‌تر کردن محاصره غزه را غیرقابل باور و نامید. محمد جواد ظریف در جلسه روزنامه‌ی‌ای یک کتاب در حوزه

ملی ایران مربوط است. به‌رحال باید قبول کنیم با هر دیدگاهی که در سیاست داخلی در ایران داریم، ماجرای غصب سرزمین فلسطین توسط صهیونیست‌ها ابعادی به غایت متنوع و پیچیده دارد. قدم اول که کنشگران سیاسی در ایران به آن توجه ندارند، گره زدن موضوع خودشان در موضوع فلسطین به دخل و خرج سیاسی آنها در مسائل داخلی است. این چالش برای ناظران سیاسی هم صادق است. یعنی اگر یک کنشگر سیاسی موضوعی در ماجرای فلسطین داشته باشد، اول باید از اعلام آن به خاطر ملاحظات سیاست داخلی نگران باشد و بعد اگر موضوع بگیرد مخالفان داخلی او به میدان می‌آیند و با عینک سیاست داخلی آن موضوع را تحلیل می‌کنند. این آفت بزرگی برای ظهور و بروز پرنزنگ‌تر برخی گروه‌های سیاسی در موضوع فلسطین است. در یک نگاه کلان موضوع گروه‌های سیاسی مختلف در ایران در دفاع از موضع مردم فلسطین خوب و قابل قبول است. استراتژی هوشمندانه حکمیت با محوریت سخنرانی اخیر رهبر انقلاب کمک بزرگی به مواضع نسبتاً خوب داخلی درباره ماجرای فلسطین داشته است. استراتژی دفاع از حرکت و کنش داخل فلسطین و تحقیر اسرائیل.

اگر در فرهنگ سیاسی ایران موضع حق طلبانه کنشگران سیاسی در موضوع فلسطین باید برش تفاوت و تنوع داخلی به یک نرم و اجماع داخلی تبدیل شود، جبهه ضد اسرائیلی تقویت خواهد شد. شاید کسانی از موضع ارزش‌ها و آرمان‌ها به میدان بیایند و کسانی از موضع آزادی، کسانی عدالت‌خواهانه استدلال کنند و کسانی از ادبیات و استدلال‌های دینی استفاده کنند. تفاوت موضع اگر با محوریت دفاع از حق مردم فلسطین باشد، به نفع موضع اساسی کشور تمام می‌شود.

دوم، موضوع فلسطین مثل آینه‌ای تمیز به‌نهایت دقت واقعیت کنشگران سیاسی را نمایش می‌دهد. صاحب نظری که در مسائل داخلی از حقوق انسان‌ها دفاع می‌کند و مدعی است عدالت تمام عیار اجرا شود و آزادی‌های مشروع انسان‌ها پایمال نشود وقتی به موضوع فلسطین می‌رسد و به یکباره می‌گوید تخصص اعلام نظر ندارم، در آزمون بزرگ بازنده می‌شود. نمی‌توان به اسم مبارزه با ظلم در داخل سینه چاکی کرد و به خاک و خون کشیده شدن بچه‌های فلسطینی زیر بمباران صهیونیست‌ها را نادیده گرفت. صاحب‌تریونی که پرچم آزادی خواهد بلند کرده و جنایت اسرائیلی‌ها را مستأمنی می‌کند، فریاد ناقص سرمی‌دهد. او نمی‌تواند هم در موضع منتقد مخالفان آزادی باشد، هم در ماجرای فلسطین سکوت کند. ساده‌انگاری و ضعف سیاست‌ورزی کنشگرانی مثل جناب برهانی هم نتیجه مناسبی برای موضع عجیب او در ماجرای فلسطین نیست. شاید اگر عنصر «شجاعت» و «شرافت» در جریان‌شناسی سیاسی لحاظ شود، توضیح دهنده بهتری برای فهم آرایش نیروهای سیاسی پیدا کنیم. شاید امثال او تصور می‌کنند اگر ضد موجود ضد انسانی اسرائیل موضع صریح بگیرند، بخشی از مخاطبان را از دست می‌دهند. او چه مخاطبی برای خودش قائل است که در صورت موضع ضد اسرائیلی ریزش می‌کند؟

کنشگران و فعالان سیاسی با مجموع دیدگاه‌های نظری و عملی‌شان درباره مساله سیاسی، اجتماعی و... دست‌به‌بندی می‌شوند. مثلاً در دهه ۶۰ دعوی راست و چپ در اقتصاد درباره دولت در اقتصاد بود. بعد با بخشی از موافقان عدالت اجتماعی در دهه ۷۰ وقتی سکاتر دولت بودند یکباره طرفدار تعدیل اقتصادی و آزادسازی قیمت‌ها شدند. با کسانی که در دهه ۶۰ خیلی ضد آمریکایی بودند در دهه ۷۰ با تعدیل با دنیا حرف می‌زدند. به‌رحال با وجود تغییرات، نسبت اهل سیاست با عدالت، آزادی‌های مشروع، ایده‌های توسعه، دفاع از میثاقی و ارزش‌ها، نقد وضع موجود یا دفاع از آن و... جریان‌شناسی و تحلیل وضعیت جریان‌های مختلف سیاسی را عملی می‌کند. در اوایل دهه ۹۰ دیدگاه جریان‌های سیاسی درباره توسعه و انتخاب مسیر سیاست خارجی به ایزار مهمی برای تحلیل‌ها بدل شد. در سال‌های اخیر نسبت سنجی کنشگران سیاست با چالش‌های اجتماعی جامعه ایران مهم بود. به‌طوری‌که نظرات جدیدی به میدان آمد. منظور اینکه همه تعابیری مثل «تحول‌خواه»، «مدافع وضع موجود»، «استاد طلب»، «بیرون‌زا»، «توسعه درون‌زا» و... دیدگاه‌هایی سیاسی را نمایندگی می‌کنند که هر کدام درباره مسائل بنیادین ایران امروز و چالش‌های آن نظرات مختلف با نتایج متفاوت دارند. اما آیا صورت‌بندی‌های فعلی می‌توانند توضیح‌فانه‌کننده‌ای درباره همه تحولات سیاسی - اجتماعی فعلی بدهند؟ فکر می‌کنم خیر.

مطالعه موردی واقع بزرگ ۷ اکتبر (مصادف با ۱۵ مهر) در غزه که ضربه بزرگ و تاریخی نیروهای مقاومت به صهیونیست‌ها بود می‌تواند نشان دهنده ضعف صورت‌بندی‌های جریان‌شناسانه باشد. رخدادی که از زمان تشکیل دولت جعلی اسرائیل در منطقه بزرگ‌ترین شکست آنها محسوب می‌شود و از حیث تاریخی مهم است. ارتباط مساله به تحولات ایران هم روشن است و به‌طور طبیعی تحلیل‌گران و کنشگران سیاست در ایران نمی‌توانند درباره موضوع بی‌موضع باشند. نقطه تمرکز من درباره موضوع نه مخاطبان عمومی که اهالی سیاست است، و سنجش و بررسی این نقطه نظر که آیا در مساله فلسطین و موجودی نامشروع به نام اسرائیل می‌توان نسبتی منطقی میان شعارها و ایده‌های جریان‌ها و کنشگران داخلی سیاست در ایران با کنش آنها پیدا کرد؟ آنهایی که ادعای عدالت دارند آیا می‌توانند از موضعی عدالت‌خواهانه نسبت به ظلم بزرگی که به مردم فلسطین می‌شود سکوت کنند؟ آنهایی که می‌گویند آزادی نقطه عزیمت آنها در سیاست‌ورزی است آیا می‌توانند سلب حداقلی‌ترین آزادی‌های مشروع مردم فلسطین را مشاهده کنند و چشم ببندند؟ برای توضیح بیشتر موضوع و رسیدن به نتایجی قابل سنجش نکات زیر قابل دسته‌بندی است.

یکم: مساله فلسطین یک مفهوم چندبعدی و پیچیده است. هم ابعاد دینی ماجرا بزرگ است و هم ابعاد سیاسی آن. هم یک مساله انسانی است، هم به امنیت

رادیموزون  
کاری از گروه پادکست‌های همیشه در میان و روزنامه فرهیختگان

www.radiomazmoon.com